

سیاست دولت و مناسبت‌های بین‌قومی (مورد: قوم بلوچ و سیستانی)

محمد رضا حافظ‌نیا^{۱*}، سید سلمان حسینی^۲، زهرا احمدی‌پور^۳

- ۱- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۳- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۸/۱۲/۱ پذیرش: ۹۰/۳/۱۸

چکیده

اساس این پژوهش بر این سؤال استوار است که بین سیاست‌های دولت و روابط بین اقوام چه رابطه‌ای وجود دارد. برای پاسخ به این پرسش، تأثیر سیاست‌های دولت بر رفتار متقابل اقوام بررسی شده است. این پژوهش از نوع اسنادی-میدانی است و با استفاده از روش‌های مختلف مثل پرسش‌نامه، مصاحبه، بررسی میدانی، نظرسنجی از استادان و کارشناسان به واکاوی مسئله پرداخته است. نمونه آماری این پژوهش به صورت انتخابی و از بین شصت نفر از استادان، کارشناسان ملی و منطقه‌ای و همچنین نخبگان قومی بوده است. نتایج پژوهش با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. سیاست‌های دولت از یک سو باعث ایجاد رابطه بدبینانه بین سیستانی‌ها و بلوچ‌ها شده و از سوی دیگر به واگرایی بین قوم بلوچ و دولت مرکزی کمک کرده است.

واژه‌های کلیدی: بلوچ، سیستانی، سیاست‌های دولت، قوم، استان سیستان و بلوچستان.

۱- مقدمه

دولت در مقام بازوی اجرایی حکومت‌ها در ارتباط مستقیم با اقوام است. شاید بتوان گفت برابند ارتباط دولت‌ها با اقوام و اقلیت‌های دولت مرکزی در قبال اقوام مختلف باعث ایجاد یک تصویر ذهنی است که ملاک سیاست‌های قومی بوده و با میزان واگرایی و همگرایی اقوام



نسبت مستقیم دارد. از آنجایی که دولت مدرن واقعیتی انکارناپذیر در زندگی جوامع کنونی است (قمری، ۱۳۸۳: ۳۴)، هر زمانی که دولت مرکزی از اقتدار برخوردار بوده است، توانسته واگرایی ها را به حداقل برساند؛ اما زمانی که دولت مرکزی دچار بحران شده و یا به اصطلاح در دوران گذار بوده است، این گروه ها و اقوام سر از تابعیت حکومت مرکزی برداشته اند. شاید بتوان ناحیه سیستان و بلوچستان را ناحیه ای سیاسی به شمار آورد. ناحیه سیاسی به بخشی از سطح زمین گفته می شود که در قلمرو اراده سیاسی و فرمانروایی یک قدرت سیاسی قرار گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۱۹).

در میان اقوام ایرانی، قوم بلوچ و سیستانی - که در استان سیستان و بلوچستان و در جنوب شرقی ایران ساکن هستند - تفاوت ها و شباهت های بسیاری نسبت به بدنه اصلی ملت ایران دارند. قوم بلوچ از لحاظ مذهب و زبان دارای تفاوت اند؛ اما به لحاظ دین، زبان و سابقه تاریخی و نژاد با بدنه ملت ایران هماهنگی و شباهت دارند. همچنین، سیستانی ها از لحاظ دین و مذهب، نژاد و زبان با ملت ایران همانندی دارند که در این میان، مذهب نقش مهمی داشته است. رابطه بین این دو قوم متأثر از رابطه آنها با دولت مرکزی است. به نظر می رسد قوم بلوچ در مقایسه با سیستانی ها همگرایی کمتری با دولت مرکزی دارد. این روابط خود، یک مدل ارتباطی را به وجود می آورد. در این تحقیق به بررسی سیاست های دولت مرکزی و تأثیر آن بر مناسبات بین دو قوم بلوچ و سیستانی می پردازیم.

برای واکاوی این مسئله دو پرسش اساسی را مطرح می کنیم:

۱- دو قوم بلوچ و سیستانی چه رابطه ای با هم و چه همانندی ها و تفاوت هایی با دولت مرکزی دارند؟

۲- سیاست های دولت مرکزی نسبت به بستر متفاوت قومی در استان چه تأثیری بر روابط آنها با یکدیگر و نیز روابط هر یک از آنها با دولت مرکزی دارد؟

فرضیه های تحقیق نیز به این شرح است:

فرضیه اول: به نظر می رسد قوم بلوچ با پیکره ملت از لحاظ مذهب و زبان دارای تفاوت و از لحاظ نژاد و تاریخ دارای اشتراک است؛ اما سیستانی ها به لحاظ دین و مذهب و زبان تقریباً با بدنه اصلی ملت هماهنگ و همسان هستند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مرکزی در برابر بستر متفاوت قومی باعث افزایش واگرایی قوم بلوچ و کشش سیستانی‌ها نسبت به پیکره اصلی ملت شده است.

۲- مفاهیم و مباحث نظری

۲-۱- نظریه‌های بسیج قومی

همان‌گونه که عوامل گوناگونی باعث انسجام و هم‌بستگی و وحدت در کشور می‌شود، عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض در کشور نقش دارد؛ از قبیل احساسات ملی و قومیت‌گرایی که پدیده‌ای کهن است. درباره مشکلات قومی برای حکومت‌های مرکزی نظریه‌های مختلفی بیان شده است که در ادامه آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۲-۱-۱- نظریه رقابت بر سر منابع

براساس این نظریه، ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت - ملت باعث می‌شود در آن کشور رقابت بر سر منابع و به‌ویژه مشاغل دولتی انگیزه اصلی کشمکش میان اقوام را پدید آورد. در واقع، نابرابری در توزیع امکانات اقتصادی و سیاسی که شامل مشاغل دولتی هم می‌شود، در اینجا عامل اصلی بسیج قومی قلمداد شده است. این هویت قومی زمانی به‌وجود می‌آید و تداوم می‌یابد که امتیاز آشکاری یا اختلاف‌های زبانی، مذهبی و نژادی وجود داشته باشد که بتوان با تکیه بر آن‌ها، درصد کسب امتیاز برآمد (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۶).

۲-۱-۲- نظریه استعمار داخلی

این نظریه را مایکل هشتر^۱ مطرح کرده است و براساس آن، هم‌بستگی و بسیج قومی داخل هر سرزمینی در نتیجه تشدید نابرابری‌های ناحیه‌ای میان یک مرکز فرهنگی متمایز و پیرامون آن تقویت می‌شود (همان‌جا). در واقع، هشتر مفاهیم والرشتین و گوندر فرانک را به‌کار برده است که در سال ۱۹۶۲م به پژوهش‌هایی درباره کشورهای جهان سوم براساس

1. Maikel Heshter



تز استعمار داخلی به جای تز اقتصاد دوگانه پرداختند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۳۶). در این نظریه، نگرانی اصلی دولت مرکزی، جلوگیری از جریان‌های گریز از مرکز و سعی در حل این جریان در داخل کشور و جلوگیری از سیاسی شدن عوامل زبانی، قومی، نژادی و مذهبی است. اما وقتی یک گروه پیرامونی دارای فرهنگ و آداب رسوم خاص خودش باشد و در یک منطقه جغرافیایی خاص نیز وجود داشته باشد، این گروه از ادعای تجزیه‌طلبی یا خودمختاری به عنوان هدف استراتژیک یا اهرم سیاسی برای چانه زدن به منظور گرفتن امتیاز یا تقویت وضع خود استفاده می‌کند (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۶).

۲-۱-۳- نظریه انتخاب حسابگرانه

انسان‌ها بر اساس محاسبه سود و زیان کاری را انجام می‌دهند و مشارکت افراد در جنبش‌های اجتماعی و دست زدن به کار جمعی وقتی صورت می‌گیرد که سود این مشارکت بر زیانش بچربد (همان‌جا). نظریه انتخاب حسابگرانه بر اقدامات هدفمند افراد استوار است و جهت‌گیری اقتصادی-سیاسی دارد (عبدی، ۱۳۸۱: ۵۳). در واقع، نوعی بازی با حاصل جمع صفر است؛ به گونه‌ای که هر امتیازی که هر گروهی به دست می‌آورد به همان میزان با گروه دیگر امتیاز از دست می‌دهد. این نظریه بر عامل انسانی در واگرایی سیاسی و بسیج قومی تأکید دارد. چنان‌که بسیاری از روان‌شناسان علت اصلی تعارض و ستیز را در طبیعت جست‌وجو می‌کنند. بر اساس این، انسان با محیط خود در کشمکش متقابل به سر می‌برد. ویژگی‌های قدرت‌طلبی و نفع‌طلبی انسان را به سوی جنگ علیه دیگران سوق می‌دهد (قوام، ۱۳۷۲: ۲۵۵). هوشنگ امیراحمدی می‌گوید: «از قوه به فعل درآمدن اقدامات جمعی قومی به سودهایی که تصور می‌رود یک جامعه قومی از رویارویی با دولت مرکزی به دست می‌آورد بستگی دارد.» (1989: 367).

۲-۱-۴- نظریه رقابت نخبگان

عده‌ای از دانشمندان بر این اعتقادند که بعضی از نخبگان بر مبنای ویژگی‌های فردی دارای روحیه جنگ‌طلبی‌اند و برای ارضای جاه‌طلبی‌های خویش به توسعه بحران‌ها، اختلاف‌ها و

واگرایی‌ها و بسیج قومی دست می‌زنند؛ ازجمله این نظریه‌پردازان هانس کوهن و آنتونی اسمیت است. به نظر اسمیت، گسترش کنترل دولت و گرایش‌های بیشتر به سوی تمرکز باعث ایجاد شرایط مناسب برای بسیج ایدئولوژیک توسط نخبگان هر قوم می‌شود (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۶). با توجه به این نظریه، خلق هویت قومی، و بسیج گروه‌های قومی، زبانی و مذهبی در جهت اهداف سیاسی تاحد زیادی نتیجه فعالیت‌های نخبگان دانسته می‌شود (حسینی‌پور، ۱۳۷۷: ۳۰).

۲-۱-۵- نظریه کثرت‌گرایی فرهنگی

کثرت‌گرایی فرهنگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های برجسته امکان تحقق همگرایی، مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. ازدیدگاه بعضی از نظریه‌پردازان، نظریه فورنیوال و اسمیت به‌عنوان ابزار زور عریان که قادر به به‌کارگیری تمام قدرت برای اعمال سلطه است، در نظر گرفته می‌شود (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۶). اما نوسازی در جامعه مستلزم پذیرش تکثر و تنوع نیروهای اجتماعی در آن جامعه است؛ زیرا در نوسازی علاوه بر گروه‌بندی‌های نژادی و مذهبی موجود، گروه‌بندی‌های جدیدی نظیر گروه‌بندی شغلی طبقاتی نیز اضافه می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۱۶).

جامعه کثرت‌گرا جامعه‌ای است متشکل از گروه‌های قومی گوناگون که در عین حال که در واحدی سیاسی به نام کشور در کنار هم زندگی می‌کنند، در هم ترکیب نمی‌شوند و هرکدام هویت خود را حفظ می‌کنند. ازدیدگاه نظریه‌پردازان این مکتب، دولت ابزاری است که با آن یک گروه قومی و مذهبی بر گروه‌های دیگر جامعه اعمال قدرت می‌کند (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۷). تکثرگرایی قومی نقطه مقابل همانندسازی است که در آن حفظ و یا حتی تشدید تفاوت‌ها میان گروه‌های قومی مفروض دانسته می‌شود (کاوایانی، ۱۳۸۰: ۳۷). همانندسازی درمقابل کثرت‌گرایی فرایند تقلیل خط تمایز است و زمانی رخ می‌نماید که اعضای دو یا چند جامعه گروه‌های نژادی و یا گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر با یکدیگر روبه‌رو شوند. در فرانسه برای همانندسازی افراد بومی تلاش فراوانی شد و افرادی که از



خود همانندی بیشتری با فرهنگ فرانسوی نشان می‌دادند، از موقعیت بالاتری برخوردار می‌شدند (Gillo, 1998: 107).

۳- روش تحقیق

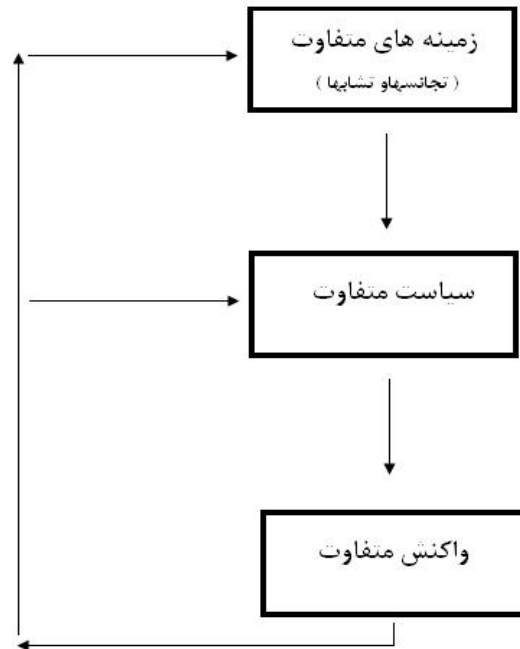
این پژوهش از نوع اسنادی- میدانی است و با استفاده از روش‌های مختلف مثل پرسش‌نامه، مصاحبه، بررسی میدانی و نظرسنجی از استادان و کارشناسان به واکاوی مسئله پرداخته است.

۳-۱- بررسی مقایسه‌ای دو شهرستان زابل (زابل، زهک) و ایرانشهر

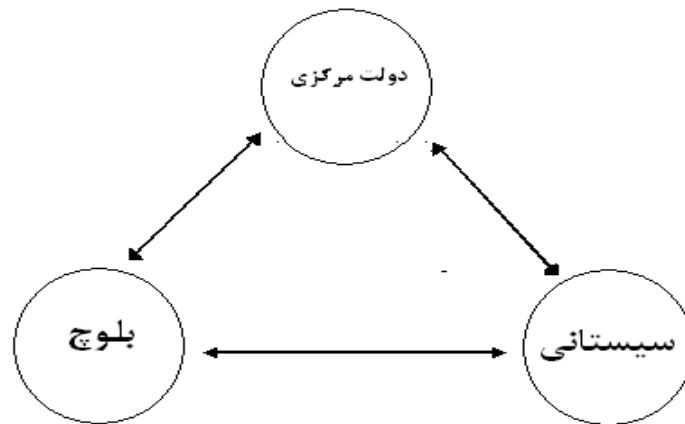
شهرستان زابل به‌عنوان مرکز سیستان تقریباً ۸ درصد کل مساحت استان و ۱۷ درصد جمعیت استان را داراست. شهرستان ایرانشهر هم با ۳۰/۲۳۰ کیلومتر مربع ۱۶ درصد از کل خاک استان و با ۲۶۸/۴۰۰ نفر ۱۱ درصد جمعیت استان را شامل می‌شود. این شهرستان که به‌ترتیب بیشترین تعداد سیستانی و بیشترین تعداد بلوچ را در خود جای داده است، در چهار شاخص توزیع مدیریت، شاخص بودجه، شاخص خدمات دولتی و شاخص سرمایه‌گذاری بررسی شده تا تأثیر سیاست‌های دولت بر دو قوم بلوچ و سیستانی مورد واکاوی قرار گیرد.

۳-۲- روش به‌کاررفته در پرسش‌نامه

پرسش‌نامه پژوهش شانزده سؤال دارد که همگی با فرضیه‌های تحقیق در ارتباط است. گزینه‌ها به‌صورت طیفی بوده است و به برخی از پرسش‌های موضوعات مرتبط با پژوهش می‌پردازد. جامعه آماری این پرسش‌نامه بیشتر با تأکید بر نخبگان یعنی کارشناسان، استادان دانشگاه و نخبگان قومی بلوچ و سیستانی تشکیل شده است. شصت پرسش‌نامه در بین جامعه آماری تقسیم شد. پس از تکمیل آن‌ها، با نرم‌افزار Spss و با روش One-Sample T-Test به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. این پژوهش برپایه مدل‌های نظری زیر انجام شده است:



شکل ۱ مدل سطح ارتباط با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌ها



شکل ۲ مدل روابط بین دولت و اقوام



۴- محیط‌شناسی موضوع تحقیق

۴-۱- استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ وسعت بزرگ‌ترین استان کشور است. این استان از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل شده است که از لحاظ طبیعی با یکدیگر متفاوت‌اند (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۳۲). ناحیه سیستان با ۸۱۱۷ کیلومتر مربع در قسمت شمالی قرار دارد و حوزه مسطح و مسدودی است که از آبرفت‌های دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل شده است. ناحیه بلوچستان به مساحت ۱۷۹/۳۸۵ کیلومتر مربع منطقه وسیع کوهستانی است که حد شمالی آن کویر لوت و حد جنوبی آن دریای عمان است. چندگانگی و تنوع مذهبی، گویش‌های مختلف و نمود تعلقات قومی و قبیله‌ای از ویژگی‌های اجتماعی این استان است. براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۰ شهرستان، ۳۷ بخش، ۳۲ مرکز شهری، ۹۸ دهستان و ۸۱۶۷ آبادی دارای سکنه بوده است. شهرستان‌های آن عبارت‌اند از: ایرانشهر، چابهار، خاش، زابل، زاهدان، سراوان، نیک‌شهر، زهک، کنارک و سرباز (سالنامه آماری، ۱۳۸۵: ۳).

۵- رویدادنگاری

۵-۱- مناقشات بلوچستان

محمد رضا پهلوی در آخرین ماه‌های سلطنت، پایان حکومت خود را مساوی با بدل شدن ایران به ایرانستان دانست. این تهدید به کیفیت ویژه مجموعه اقوام ساکن ایران بازمی‌گردد و شاه نیز با آگاهی از وجود مراکز بحران‌خیز و مسئله‌آفرینی که می‌توانستند تمامیت ارضی کشور را به خطر اندازند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۵۱)، چنین سخنانی را اظهار کرد. در این دوره، منطقه بلوچستان دستخوش ناآرامی‌ها و آشوب‌هایی شد. بلوچ‌هایی که خود را به‌رغم مستندات و شواهد علمی (شه‌بخش، ۱۳۷۳: ۹-۱۱) از نژاد آریایی نمی‌دانند (یغمایی، ۱۳۵۵: ۳۴-۳۶)، به‌واسطه همین برداشت و نیز تفاوت‌های مذهبی، کمتر خواهان همکاری با دولت‌های مختلف ایرانی بوده‌اند. عقب‌افتادگی بیش از حد این منطقه به‌علت

دوری از مرکز و وسعت منطقه و ضعف ارتباط با دیگر استان‌ها و همچنین قبیله‌گرایی و طرز فکر و بینش قوم‌مدارانه موجب شده است میان مردم بلوچ و سایر اقوام ایرانی تبادل فرهنگی زیادی به وجود نیاید.

۵-۲- بررسی گروه‌های موجود در منطقه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سه گروه مختلف تلاش‌های خود را برای جذب مردم در مقابل دولت آغاز کردند: سرداران و خوانین، رهبران مذهبی یا مولوی‌ها و سرانجام گروه‌های کمونیستی موسوم به چپ. هر سه گروه به نوعی با یکدیگر زمینه‌های مشترکی داشتند. در جامعه بلوچی، سرداران و خوانین به علت دفاع در برابر هجوم مکرر سپاهیان شاهان در طول تاریخ، از قداست معنوی خاصی برخوردار بودند (غراب، ۱۳۶۴: ۷). در سده‌های اخیر، بر اثر سیاست تمرکز قدرت و انهدام زمینه‌های رشد اقتصادی ایلات و عشایر و تهاجم مکرر قدرت‌های مرکزی و خارجی، خوانین به حکومت‌های مرکزی گرایش پیدا کرده بودند و دولت‌ها نیز سعی می‌کردند تا این چرخش را از طریق واگذاری مشاغل مهم کشوری و لشکری به آنان حفظ کنند. دومین گروهی که در برانگیختن و رهبری مردم بلوچ نقش بسزایی ایفا می‌کردند، رهبران مذهبی یا مولوی‌ها بودند. از دیگر گروه‌های فعال در منطقه، می‌توان گروه‌های چپ را نام برد.

۵-۳- حضور و دخالت نیروهای خارجی

کشورهای مختلفی در منطقه سیستان و بلوچستان، با توجه به شرایط خاص، دخالت داشته‌اند؛ از جمله عراق که با حمایت بی‌دریغ خویش از ضد انقلابی‌های ایرانی مقیم پاکستان در صدد برآمد تا با گشایش جبهه جنگی در شرق کشور، حضور نیروهای نظامی ایران را در غرب کاهش دهد و در تثبیت قدرت سیاسی نظامی نیز خلل وارد کند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۵۱). کشورهای غربی نیز با توجه به نوع منافع خود، در این منطقه مداخله کرده‌اند. در حال حاضر و به منظور مقابله با انقلاب اسلامی (با توجه به اینکه ایران جامعه‌ای با مذاهب‌های مختلف است و نیز یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب نیز



مذهب بوده) این ایده مطرح شد که با ایجاد درگیری‌های مذهبی، می‌توان انقلاب را از درون خرد و نابود کرد. در این میان، روس‌ها از سال‌های دور بسیار تلاش کرده‌اند تا آرزوی دیرینه و تاریخی خود یعنی دست‌یابی به بندرهای دریای عمان را تحقق بخشند (خاتمی، ۱۳۵۸: ۴).

برخی پژوهشگران مسائل بلوچستان در بررسی‌های خود به وجود بحرانی دائمی، ملایم و بطئی که بروز حوادث غیرمترقبه و انفجارآمیز را در سطح منطقه ممکن می‌سازد، اشاره کرده‌اند (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۹۷ و ۱۹۴). حضور افغان‌ها، قاچاقچیان بین‌المللی، قدرت‌های سلطه‌طلب، دستجات مسلح، امکان دسترسی آسان به اسلحه، هم‌مرزی با پاکستان و افغانستان و امکان فرار از مرز، فقر شدید، محرومیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، عقب‌ماندگی‌های تاریخی، فقر منابع آب و منابع طبیعی، قاچاق سوخت، وهابیت و... مجموعه به‌هم پیوسته‌ای است که از دیدگاه این پژوهشگران، بستر بحران امنیتی-اجتماعی را در سطح منطقه بلوچستان پدید آورده است (همان‌جا).

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- توزیع آماری مدیریت در استان

در یک بررسی آماری از بین ۴۶۱۵ نفر از مسئولان در شش سطح مدیریتی (رئیس، مشاور، مدیرکل، سرپرست، مدیر و معاون)، با توجه به محل تولد این مسئولان مشخص شد حدود ۸۰ درصد آن‌ها متولد استان سیستان و بلوچستان بوده‌اند و ۲۰ درصد بقیه متولد خارج از استان. همچنین، از ۳۸۱۵ مسئول متولد استان، سیستانی‌ها با ۱۷ درصد جمعیت نیمی از کل مسئولیت‌ها را دارند و ۸۳ درصد بقیه استان حدود نیم دیگر مسئولیت‌ها را برعهده دارند. نکته جالب این است که ایرانشهر با ۱۱ درصد جمعیت استان، حدود ۱۶/۵ درصد از کل مسئولیت‌ها را به خود اختصاص داده است (معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور، دفتر آمار، ۱۳۸۸).

جدول ۱ شهر و استان محل تولد مدیرکل های استان سیستان و بلوچستان

ردیف	سمت	استان محل تولد	شهر محل تولد	تعداد مدیرکل
۱	مدیرکل	تهران	تهران	۱
۲	مدیرکل	خراسان جنوبی	بیرجند	۲
۳	مدیرکل	خراسان جنوبی	نهبندان	۱
۴	مدیرکل	خراسان رضوی	تربت حیدریه	۱
۵	مدیرکل	خراسان رضوی	نیشابور	۱
۶	مدیرکل	سیستان و بلوچستان	زابل	۱۰
۷	مدیرکل	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۱۰
۸	مدیرکل	سیستان و بلوچستان	خاش	۱
۹	مدیرکل	کرمان	کرمان	۱
۱۰	مدیرکل	گلستان	گنبدکاووس	۱
۱۱	مدیرکل	گیلان	آستانه اشرفیه	۱
۱۲	مدیرکل	لرستان	الیگودرز	۱
۳۱	مجموع			

(منبع: معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور، ۱۳۸۸)

در بررسی ای درباره محل تولد ۳۱ مدیرکل استان سیستان و بلوچستان آشکار شد که حدود ۶۷ درصد مدیرکل ها، یعنی ۲۱ نفر بومی بوده و محل تولد بقیه آنها خارج از سیستان و بلوچستان بوده است. همچنین، بیشتر مدیرکل ها تقریباً از استان های هم جوار به ویژه خراسان جنوبی و رضوی بوده اند. از میان این ۲۱ مدیرکل - که محل تولدشان استان سیستان و بلوچستان بوده است - باز هم حدود ۵۰ درصد متولد زابل هستند (معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور، دفتر آمار، ۱۳۸۸).

در تحلیل گزارشی درباره استان سیستان و بلوچستان که براساس اطلاعات دریافتی از ۴۱ دستگاه اجرایی استان تهیه شده است، در طول برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹-۱۳۸۳ تعداد ۴۶۳۹

نفر نیروی انسانی جذب دستگاه های اجرایی استان شده اند. بررسی کارکنان از نظر بومی یا غیر بومی بودن نیز نشان می دهد از صد درصد نیروهای یاد شده، ۵۱.۲ درصد بومی و ۴۸.۸ درصد غیر بومی اند. بدون در نظر گرفتن نیروهای جذب شده سازمان آموزش و پرورش استان، این میزان در مورد نیروهای بومی ۶۶.۲ درصد و در مورد نیروهای غیر بومی ۳۴.۸ درصد است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری، ۱۳۷۹-۱۳۸۳).

از مجموع ۱۶ استاندار یا سرپرست استانداری، فقط دو استاندار بومی استان بوده و بقیه غیر بومی اند. با توجه به یافته های میدانی و پرسش نامه، در این استان مسئولان غیر بومی در سطوح مدیریتی بالا به ویژه در نهادهای امنیتی و انتظامی بیشتر از مسئولان بومی بوده است (پورتال استانداری سیستان و بلوچستان).

۶-۲- بررسی تطبیقی آمار، امکانات و خدمات زابل و ایرانشهر

جدول ۲ بررسی تطبیقی آمار، امکانات و خدمات زابل و ایرانشهر

واحد بانکی	تلفن	بوف	کارگاه بزرگ	آب*	کارگاه صنعتی	کارکنان دانشگاه	کارکنان شهرداری	درصد جمعیت از استان	درصد وسعت از استان	مکان
٪۱۶.۵	٪۲۰.۵	٪۲۰	۹	٪۱۶	٪۱۸	۲۰۰۶	۴۴۴	٪۱۷	٪۸	زابل
٪۱۰.۵	٪۱۶	٪۱۵	۹	٪۱۳.۵	٪۱۰/۸	۳۲	۳۶۸	٪۱۱	٪۱۶	ایرانشهر
مساوی	مساوی	مساوی	مساوی	مساوی	مساوی	متفاوت	مساوی	مقایسه تقریبی		

(منبع: آمارنامه استان ۸۵ اداره تعاون استان)

* شرکت سهامی آب، ۷۹: ۱۰

جدول ۳ بررسی تطبیقی آمار، امکانات و خدمات جانبازان، شهدا و آزادگان زابل و ایرانشهر

مکان	درصد وسعت از استان	درصد جمعیت از استان	شعبه قضایی	سرقن	کشف مواد مخدر	خدمات بهزیستی	جانبازان	شهدا	آزادگان	*تأمین اجتماعی	*خدمات درمانی
زابل	٪۸	٪۱۷	۱۹	٪۱۱.۵	٪۱۷.۵	۲۵	۲۴.۸	٪۳۱.۵	٪۲۶	٪۱۶	٪۱۷.۵
ایرانشهر	٪۱۶	٪۱۱	۱۳	٪۱۶	٪۳	۱۷	٪۷.۷	٪۱۱	۶/۷	٪۱۱	٪۱۱.۵
مقایسه											
مساوی											

(منبع: آمارنامه استان ۸۵ سلطانی، ۱۳۸۳: ۲۶، ۲۸، ۴۹ و ۱۷۵)

جدول ۴ بررسی تطبیقی آمار مراکز پزشکی زابل و ایرانشهر

ردیف	درصد وسعت از استان	درصد جمعیت از استان	جمعیت	تعداد مؤسسات درمانی	تعداد تخت بیمارستان	مراکز بهداشتی درمانی	خانه بهداشت روستایی	تعداد آزمایشگاه	تعداد داروخانه	کارکنان علوم پزشکی
۰	استان	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۱۶	۲۱۱۸	۲۵۳	۸۳۷	۹۷	۱۳۴	۹۲۷۴
۱	زابل	٪۸	٪۱۷	۲	۴۴۵	۴۹	۲۱۴	۱۲	۱۸	۱۳۱۰
۳	ایرانشهر	٪۱۶	٪۱۱	۲	۲۸۷	۲۴	۹۶	۱۱	۱۲	۱۰۵۶

(منبع: آمارنامه استان ۸۵ دانشگاه علوم پزشکی زاهدان و زابل: سلطانی، ۱۳۸۳: ۲۵۹)

در مقایسه آماری دو شهرستان زابل و ایرانشهر از لحاظ تخصیص امکانات و خدمات که دولت می‌توانسته است در آن نقش داشته باشد، مشاهده شد که در توزیع امکانات و خدمات بین این دو شهرستان تفاوت زیادی وجود ندارد. فقط تعداد شهیدان و ایثارگران زابل بیشتر از ایرانشهر بوده است. میزان سرقت در ایرانشهر هم بیشتر از زابل بوده است. مراکز آموزش عالی زابل نیز بیشتر از ایرانشهر بوده است.

۶-۳- بررسی تطبیقی سرمایه گذاری بین دو شهرستان

بیشترین تعداد طرح ها مربوط به شهرستان زاهدان با ۴۳۸ طرح (۱۳/۵ درصد) است. شهرستان های سراوان با ۳۴۸ طرح (۱۰/۷ درصد)، ایرانشهر با ۳۴۷ طرح (۱۰/۷ درصد)، زابل با ۳۴۰ طرح (۱۰/۶ درصد)، نیک شهر با ۳۳۳ طرح (۱۰/۳ درصد) و چابهار با ۳۱۳ طرح (۹/۷ درصد) در مراتب بعدی قرار دارند.

جدول ۵ وضعیت طرح های تملک دارایی های سرمایه ای سال ۱۳۸۶ به تفکیک شهرستان و برحسب ویژگی عملیات اجرایی

عنوان	جمع	احداث	توسعه	تعمیر	خدماتی	تجهیز	مطالعه	طراحی	تعهدات
ایرانشهر	۳۴۷	۱۴۵	۱۵	۷۵	۵۲	۳۸	۳	۱۹	۰
زابل	۳۴۰	۱۴۸	۱۰	۶۶	۵۵	۴۸	۲	۱۰	۱
جمع	۳۲۲۶	۱۳۹۵	۱۴۱	۵۹۸	۵۳۶	۳۷۲	۲۳	۱۵۷	۴

(منبع: استانداری سیستان و بلوچستان، معاونت برنامه و بودجه)

با توجه به جدول شماره پنج، میزان طرح های اجرایی با عناوین مختلف در شهرستان ایرانشهر، با در نظر گرفتن جمعیت، بیشتر از زابل بوده است.

۶-۴- یافته های پرسش نامه ای

جدول ۶ شغل پاسخ دهندگان پرسش نامه

		تعداد	درصد	ارزش درصد
Valid	آزاد	۱۲	۲۰/۰	۲۰/۰
	کارمند	۲۳	۳۸/۳	۳۸/۳
	دانشجو	۱۱	۱۸/۳	۱۸/۳
	استاد	۱۲	۲۰/۰	۲۰/۰
	نظامی	۲	۳/۳	۳/۳
	جمع	۶۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

جدول ۷ قومیت پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه

		تعداد	درصد	ارزش درصد
Valid	سیستانی	۲۰	۳۳/۳	۳۳/۳
	بلوچ	۱۴	۲۳/۳	۲۳/۳
	هیچ‌کدام	۲۶	۴۳/۳	۴۳/۳
	جمع	۶۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

با بررسی ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان مثل سن، جنس، تحصیلات و... و سپس با تحلیل هرکدام از سؤال‌ها، این نتایج به دست آمد: از نظر شغل، ۳۸.۳ درصد از پاسخ‌دهندگان کارمند دولت هستند که در این زمینه کارشناس بودند؛ ۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان استادان دانشگاه‌های استان و خارج از آن هستند که به مسائل مطرح شده آگاهی داشتند؛ ۱۸.۳ درصد هم از دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان هستند که اغلب از نخبگان قوم بلوچ و سیستانی بودند؛ ۲۰ درصد دیگر از پاسخ‌دهندگان را افراد متخصص در امور استان و با شغل آزاد تشکیل می‌دهند؛ ۳.۳ درصد باقی‌مانده هم کارشناسان نظامی استان هستند.

۷- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد قوم بلوچ با پیکره ملت از لحاظ مذهب و زبان دارای تفاوت و از لحاظ نژاد و تاریخ دارای اشتراک‌اند؛ اما سیستانی‌ها به لحاظ دین و مذهب و زبان تقریباً با بدنه اصلی ملت شباهت دارند.

با توجه به محیط‌شناسی موضوع، مشخص شد که دو ناحیه سیستان و بلوچستان این دو قوم را در خود جای داده است و سیستانی‌ها از لحاظ وسعت جغرافیایی، محدود هستند (آمارنامه استان، ۱۳۸۵: ۲۵۶). همچنین، با توجه به رویدادنگاری پژوهش، پیشینه تاریخی تحولات واگرایی قوم بلوچ بررسی شد و نشان داد که این واگرایی‌ها منشأ خارجی داشته است (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۵۱) و مردم بلوچ خود را از نژاد ایرانی می‌دانند و از نظر تاریخی، نژادی و زبانی آریایی هستند (شهبخش، ۱۳۷۳: ۱۱)؛ بنابراین قوم بلوچ فقط از لحاظ مذهبی با بدنه ملت

متفاوت‌اند و به لحاظ زبان، نژاد و تاریخ با ملت شباهت و هماهنگی دارند. این امر فرضیه اول را جز در داشتن تفاوت زبانی تأیید می‌کند.

۷-۱- آزمون T تک‌نمونه‌ای (T-Test) ۵ درصد

برای انجام این آزمون باید ترتیبی اتخاذ شود تا برآوردی از انحراف معیار جامعه برای نمونه‌ها به دست آید. در این آزمون اگر مقدار p.value بزرگ‌تر از $\alpha=0/05$ باشد، فرضیه H_0 (مبتنی بر نبود اثر) رد می‌شود؛ ولی اگر مقدار p.value کوچک‌تر از $\alpha=0/05$ باشد، فرضیه H_1 (مبتنی بر وجود اثر) را می‌توان اثبات کرد. نتایج تست و تحلیل آماری متغیرهای فرضیه که در جدول زیر مشاهده می‌شود نیز حاکی از تأیید فرضیه اول پژوهش است.

جدول ۸ رد یا اثبات سؤال‌های فرضیه اول با استفاده از آزمون T

سؤال‌های فرضیه اول	Test Value = 3	
	سطح Sig. (2-tailed) معناداری	رد یا اثبات
تفاوت بلوچ‌ها از لحاظ مذهب	/۰۰۰	اثبات
شباهت سیستانی‌ها با بدنه ملت از نظر تاریخ، زبان، دین و مذهب	/۰۰۰	اثبات
تفاوت بلوچ‌ها از نظر دین و زبان	۶۰۸	رد
شباهت بلوچ‌ها از لحاظ تاریخ و نژاد	/۰۰۰	اثبات
کشش دولت به سیستانی‌ها با توجه به هماهنگی و شباهت بیشتر	/۰۰۰	اثبات

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مرکزی درباره بستر متفاوت قومی باعث افزایش واگرایی قوم بلوچ و کشش سیستانی‌ها به پیکره اصلی ملت شده است.

با توجه به داده‌های آماری توزیع مدیران در استان، تقریباً دولت در مدیریت‌های استان بین دو قوم سیستانی و بلوچ تبعیض قائل شده است (معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس‌جمهور، دفتر آمار، ۱۳۸۸)؛ ولی در سه عامل دیگر مورد بررسی، یعنی سرمایه‌گذاری، بودجه و خدمات و امکانات تفاوت چندانی وجود ندارد که همان عامل اول باعث تأیید فرضیه

می‌شود. همچنین، نتایج آزمون و تست و تحلیل آماری متغیرهای فرضیه دوم حاکی از تأیید فرضیه یادشده است کد در جدول زیر آمده است.

جدول ۹ رد یا اثبات سؤال‌های فرضیه اول با استفاده از آزمون

سؤال‌های فرضیه دوم	Test Value = 3		
	سطح معناداری Sig	انحراف میانگین	رد یا اثبات
تأثیر برتری شاخص‌های توسعه بر گرایش سیستمی‌ها به دولت مرکزی	/۰۰۰	/۷۲	اثبات
اختلاف بین سیستمی‌ها و بلوچ‌ها بر اثر سیاست‌های دولت مرکزی	/۰۰۰	/۸۲	اثبات
نابرابری شاخص‌های توسعه در بلوچستان نسبت به سیستم، باعث کاهش وفاداری به دولت	/۰۰۰	/۷۷	اثبات
عدم تفاوت در تخصیص امکانات و سرمایه‌گذاری	/۰۱۵	-/۴۸	اثبات
دلیل عقب‌ماندگی استان، سیاست‌های دولت مرکزی	/۲۴۰	/۲۵	رد
رابطه صمیمی بیشتر دولت با سیستمی‌ها	/۰۰۰	۱/۰۵	اثبات

۸- نتیجه‌گیری

قوم بلوچ و سیستمی از قدیمی‌ترین اقوام ایرانی‌اند که در جنوب شرق ایران در استان سیستان و بلوچستان ساکن هستند. این دو قوم در طول سالیان دراز تاریخ ایران در کنار یکدیگر زندگی کرده و طبق شواهد، معمولاً با هم رابطه مسالمت‌آمیز داشته‌اند. اما در سال‌های اخیر، رابطه دوستانه بین این دو قوم به رابطه خصمانه تبدیل شده است. سیستمی‌ها، در مقایسه با بلوچ‌ها، با بدنه ملت هماهنگی و شباهت بیشتری دارند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها متغیر مذهب است. همچنین، از لحاظ زبان، نژاد و تاریخ با بدنه ملت همانندی دارند که این شباهت و همسانی با دولت مرکزی باعث ایجاد اعتماد دوسویه میان آن‌ها شده است. پس از انقلاب اسلامی و حاکمیت دیدگاه مذهبی در کشور ایران با تأکید بر تشیع، سیستمی‌ها (با توجه به اینکه در مقایسه با بلوچ‌ها از نظر مذهبی با مجموعه حاکمیت یکسان بودند) به‌عنوان بازوی اجرایی دولت مرکزی در کل استان مورد توجه واقع شدند و دولت دیدگاه حمایتی به آن‌ها پیدا کرد.



قبل از انقلاب، دولت مرکزی با استفاده از نفوذ و قدرت سردارها و واگذاری قدرت و اختیارات به آن‌ها، به اجرای سیاست‌های خود در این منطقه می‌پرداخت؛ با این روش کمترین سطح تنش در منطقه بلوچستان رخ داد. اما امروزه با به‌هم خوردن آن نظام طایفه‌ای و حضور سیستمی‌ها در مجموعه دستگاه‌های اجرایی استان، تنش در منطقه سیستان و بلوچستان به‌وجود آمده است.

سیاست دولت مرکزی درباره مدیریت در استان، بر کاهش سطح همگرایی بلوچ‌ها با دولت مرکزی تأثیر بسزایی داشته است. همچنین، رابطه بین بلوچ‌ها و سیستمی‌ها را نیز به رابطه بحرانی و خصمانه تبدیل کرده است. با بررسی آماری که در این تحقیق انجام شد، استان سیستان و بلوچستان در بین استان‌های ایران، از لحاظ شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین سطح قرار دارد (مختاری هشی، ۱۳۸۵: ۱۱۱) که می‌تواند از مهم‌ترین عوامل تشدید واگرایی اقوام نسبت به دولت مرکزی در استان باشد. بررسی و مقایسه آماری در دو شهرستان زابل و ایرانشهر (زابل به‌عنوان نماینده شهر سیستمی‌نشین و ایرانشهر به‌عنوان شهر تقریباً بلوچ‌نشین) نشان می‌دهد بین این دو شهرستان از لحاظ تخصیص امکانات مانند آب، برق، گاز، تلفن، خدمات اداری، آموزشی، درمانی، شهری، قضایی و اجتماعی با توجه به درصد جمعیت آن‌ها تفاوت زیادی وجود ندارد. همچنین، در دو شاخص تخصیص بودجه و سرمایه‌گذاری در این دو شهرستان نیز اختلاف زیادی به‌چشم نمی‌خورد. اما در بحث مدیریتی استان تفاوت‌ها زیاد است و اکثر مدیریت‌ها به‌ویژه در سطح میانی استان در اختیار سیستمی‌هاست. همچنین، در آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، شهر زابل با ایرانشهر تفاوت زیادی دارد.

۹- پیشنهادها

- ۱- تغییر نگاه دولت مرکزی در مدیریت‌های استان و تعدیل در به‌کارگیری مدیران از دو قوم بلوچ و سیستمی؛
- ۲- تلاش دولت مرکزی برای تغییر مسیر توجه مذهبی بلوچ‌ها از خارج کشور به داخل؛
- ۳- تقویت نظام طایفه‌ای گذشته در بلوچستان؛
- ۴- توسعه متعادل آموزش عالی در مناطق مختلف استان؛

- ۵- انتصاب استانداران و مدیران اداره‌ها و نهادهای حساس استان از بین افراد میانه‌رو، عالم و باتجربه و از خارج از استان سیستان و بلوچستان و استان‌های هم‌جوار آن؛
- ۶- تقویت حس شهروندی ایرانی در منطقه بلوچستان از طریق توسعه سطح مشارکت و معاشرت ملی و ایجاد فضای اعتماد ملی.

۱۰- قدردانی

نگارندگان بر خود واجب می‌دانند از دانشگاه تربیت مدرس به‌دلیل حمایت مالی از این پژوهش سپاس‌گزاری کنند.

۱۱- منابع

- احمدی، حمید، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران افسانه یا واقعیت»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۱۱، ش ۱۱۵ و ۱۱۶، تهران، ۱۳۷۶.
- بشیریه، حسین، *دولت عقل*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۴.
- پورتال استانداری سیستان و بلوچستان: www.sbportal.ir
- شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، گزارش وضعیت منابع آب استان، سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۹.
- سلطانی، سیما، *بانک اطلاعاتی استان سیستان و بلوچستان*، زاهدان: چاپ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۳.
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری استان سیستان و بلوچستان، مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان*، ۱۳۸۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- حسینی‌پور، جدایی‌طلبی در ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.



- خاتمی، سیدجعفر، «توافق‌های سالت و نفت بلوچستان»، روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۹۱۲، ۱۳۵۸.
- زنده‌دل، حسن، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، تهران: نشر ایرانگردی، ۱۳۷۹.
- عبدی، عطاءالله، بررسی نسبت احساس بین محلی‌گرایی و ملی‌گرایی مورد: دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، ۱۳۸۱.
- غراب، کمال‌الدین، بلوچستان یادگار مطرود قرون، تهران: کیهان، ۱۳۶۴.
- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چ ۲، تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- قمری، داریوش، بررسی ساختار قدرت دولت مدرن بر یکپارچگی ملی در ایران، رساله دکتری علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
- کاویانی‌راد، مراد، بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی (مورد: قوم بلوچ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، گزارش نیروی انسانی جذب‌شده در طول برنامه سوم توسعه، اسناد کتابخانه شماره ۲، ۱۳۷۹-۱۳۸۳.
- کریمی‌پور، یدالله، تحلیل ژئوپلیتیکی، نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۱.
- مختاری هشی، حسین، تحلیل نقش تصمیم‌گیری‌های حکومتی در توسعه یافتگی سرزمین (با تأکید بر برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۱۳۸۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
- مرکز تحقیقات استراتژیک، «مسائل قومی در سیستان و بلوچستان ابعاد عوامل، راهکارها»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت، س ۲، ش ۴۴، ۱۳۸۶.
- معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور، دفتر آمار، ۱۳۸۸.
- مقصودی، مجتبی، تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۰.
- هانتینگون، ساموئل، «تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی»، ترجمه سید احمد سرتیپ، نشریه مردم‌سالاری، ۱۳۸۰.

مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا _____ دوره هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲

- یغمایی، اقبال، بلوچستان و سیستان، تهران: اداره کل نگارش و وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.

- از سیستان و بلوچستان غفلت نورزیم، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۵۹.

- Amir Ahmadi, H., "A Theory of Ethnic Collective Movement and its Application to Iran", *Ethnic and Racial Studies*, 1989.

- Gillo, R.R. "Pluralism and the Poitic of Difference", 1998.

- www.wikipedia.com.

- <http://www.sbportal.ir/sistan-cityinformation-zahedan-fa.html>.